

پیش‌خواب

حاشیه‌ای بر انتشار اثر تاریخی «تاریخ شفاهی کمیته‌های انقلاب اسلامی»

نهادی برای دوران گذار به امنیت

■ شاهد توحیدی



بی‌تردید تشکیل کمیته‌های انقلاب اسلامی در ۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۷، از فصول در خور خوانش در تاریخچه نظام اسلامی به شمار می‌رود. این خوانش هنگامی اهمیت مضاعف می‌یابد که نقش این نهاد در ساماندهی شرایط پرتلاطم پس از پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گیرد.
بالبین همه باید اذعان کرد اثری که هم‌پاینگ در معرفی آن سخن می‌رود، در زمره معدود آثار منتشر شده در این موضوع است که مورد مراجعه محققان قرار دارد. «تاریخ شفاهی کمیته‌های انقلاب اسلامی» اثری روایتی است که توسط سیدعلی هاشمی و مهدی رنجبر آذربایجان تدوین یافته و از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده‌است. این مجموعه مجموعه‌ای از روایت‌های ضبط شده در این مرکز، با بنایان این نهاد درباره زمینه‌های تأسیس آن است که به ترتیب موضوعی تدوین شده است. در بخش‌هایی از دیباچه این کتاب می‌خوانیم:

«در جریان پیروزی انقلاب اسلامی، به ویژه در نیمه دوم سال ۱۳۵۷ که با رهبری هوشمندانه حضرت امام خمینی دامنه اعتصابات از بازار به کارخانه‌ها و صنعت نفت هم کشیده شد، ارتباط و هماهنگی‌های خودجوشی بین نیروهای مذهبی قابل مشاهده بود. این ارتباط و هماهنگی بین مبارزان مسلمان و روحانیان انقلابی در این مقطع به پیدایش شکل‌هایی برای برپایی و هدایت تظاهرات‌ها انجامید. هر یک از این تشکل‌ها در مسجد محل ساماندهی می‌شد و مبارزات منطقه خود را به انجام می‌رساندند. این تشکل‌های خودجوش علاوه بر برپایی تظاهرات، فعالیت‌های دیگری نیز داشتند؛ از جمله کمک به خانواده شهید، تهیه و تدارک لوازم پزشکی برای مواقع درگیری با نیروهای رژیم، حفظ نظم و امنیت در روزهایی که عملاً نیروهای رژیم شاه کنترلی بر شهرها نداشتند، تهیه و توزیع مایحتاج ضروری مردم



پانصدان کمیته انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸: آیت‌الله محمد رضا مهدوی کئی در کنار نمی‌چند از

مانند نفت در زمستان ۱۳۵۷، در سال‌های پیش از انقلاب، روحانیون مبارز و انقلابی در جلسات منظم هفتگی دور هم جمع می‌شدند. در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ که مبارزات مردمی به اوج خود می‌رسید، جامعه روحانیت مبارز با حضور شخصیت‌هایی نظیر آیت‌الله شهید بهشتی، آیت‌الله مهدوی کئی، شهید حجت‌الاسلام محلاتی و دیگران اعلام موجودیت کرد. علما و روحانیانی که در این تشکل حضور می‌یافتند، هر کدام، در محل اقامت خود هدایت نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی را بر عهده داشتند. مساجدی که محل فعالیت این طیف از روحانیون مبارز بودند اولین مراکز تشکیل نهاد خودجوش کمیته‌های انقلاب اسلامی به شمار می‌آمدند و مسئولیت این نهاد انقلابی بر عهده یکی از روحانیان مبارز به نام آیت‌الله مهدوی کئی نهاده شد. انقلاب اسلامی همچنان که رژیم پهلوی را سرنگون ساخت، نهادهایی را لازم داشت تا در دوران گذار از انقلاب، به اتکالی آنها به تثبیت نظام نوپا بپردازد. از این رو، کمیته‌های انقلاب اسلامی نقش مهم و مؤثری در دوره گذار ایفا کردند. در این کمیته‌ها در زمینه‌های مختلف مانند اختلافات خانوادگی، اختلافات ملکی و ضدانقلاب، محل مراجعه مردم بودند.»

در بخش دیگری از مقدمه این اثر درباره چند و چون تدوین آن می‌خوانیم:
«مرکز اسناد انقلاب اسلامی در راستای تبیین نقش و جایگاه کمیته‌ها در تاریخ انقلاب اسلامی و چگونگی تشکیل و سرانجام آن، طرح تاریخ شفاهی تشکیل کمیته انقلاب اسلامی را در دستور کار پژوهشی خود قرار داد که حاصل آن کتاب حاضر است. در پایان، ضمن تشکر از مؤلفان این کتاب آقایان سیدعلی هاشمی و مهدی رنجبر آذربایجان، از معاون محترم پژوهشی آقای دکتر اکبر اشرفی، مدیر محترم بخش تدوین آقای رحیم نیکبخت، کارشناس گروه تدوین آقایان بهیار مقدم، جواد عربانی و همچنین از همکاران محترم معاونت انتشارات قدردانی می‌شود.»
به هر روی اثر تاریخی «تاریخ شفاهی کمیته‌های انقلاب اسلامی» در زمره آثار منحصربه‌فرد در موضوع خویش است که با عنایت به نایاب شدن چاپ‌های پیشین آن، ضرورت باز نشر آن توسط ناشر احساس می‌شود.



«کمیته انقلاب اسلامی و چالش‌های دوران تأسیس آن» در آیین‌ه خاطرات عزت‌الله مطهری(شاهی)

اعضای سازمان مجاهدین در پی کارت عضویت در کمیته بودند

■ محمد رضا کاتینی



عزت‌الله مطهری(شاهی)

امنیتی کشور، نقشی مهم در حفظ نظام نوپدید اسلامی و مبارزه با ضد انقلاب داشت که سوگمندها باید اذعان کرد تبیین نقش اساسی آن، چندان از سسوی تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی جدی قلمداد نشده‌است. در مقالی که پیش روی شماس، کارکرد حساس کمیته‌های انقلاب اسلامی در آن مقطع خطیر، توسط عزت‌الله مطهری(شاهی) از مبارزان پر اوازه انقلاب-که خود در این نهاد مشغول خدمت بوده -مورد باز خوانی قرار گرفته است. امید می‌بریم مطالعه این نوشتار موجز، بتواند در آشنایی بیشتر نسل جوان با یکی از سرفصل‌های شاخص تاریخ نظام اسلامی، مؤثر افتد. ■■■

■ نهادی برای برقراری نظم

بی‌تردید تشکیل کمیته‌های انقلاب اسلامی به فاصله یک روز پس از پیروزی انقلاب، از مؤثرترین تدابیرو بود که برای حفظ دستاوردهای نهضت اسلامی اندیشیده شد. امام خمینی و شهید آیت‌الله مطهری در رأس چهره‌هایی بودند که در پیدایش این نهاد ونضج‌گیری آن نقشی مهم ایفا کردند. عزت‌الله مطهری -که خود در زمره اولین اعضای این نهاد نو تأسیس است- در این باره می‌گوید:

«از آن‌جا که تعداد اعضای بازداشت شده رژیم سابق زیاد شده بود و تمام تشکیلات ارتش و کلاشکی‌ها همه از بین رفته بود، می‌بایست مکانی را ترتیب می‌دادند تا آنها را نگهداری کنند؛ لذا از طرف امام حکمی مبنی بر تشکیل کمیته انقلاب صادر شد. آقایان مطهری و مهدوی کئی مسئول این کار شدند. وظیفه‌ای که کمیته برقراری نظم در شهر و جلوگیری از سرقت‌ها و دزدی‌ها بود. من از همان ابتدای تشکیل کمیته انقلاب حضور داشتم. مسئولیت من بازرسی از مجرمین بود. در واقع، سربازجو بودم. به غیر از من آقایان صادق اسلامی و بهزاد نبوی نیز در روابط عمومی کمیته فعالیت می‌کردیم. آقای مهدوی کئی نیز سرپرست کمیته بود. ابتدا آقای مطهری مسئولیت این کار



فورودن ۱۳۵۸، رؤسای مناطق کمیته‌های انقلاب اسلامی در تهران در دیدار با امام خمینی

۴۰ سال پیش در روزهایی اینچنین، نهادی مردمی متولد گشت که «کمیته انقلاب اسلامی» نام گرفت. این نهاد در آغازین سالیان انقلاب و در فقدان نهادهای امنیتی کشور، نقشی مهم در حفظ نظام نو پدید اسلامی و مبارزه با ضد انقلاب داشت که سوگمندها به باید اذعان کرد تبیین نقش اساسی آن، چندان از سوی تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی جدی قلمداد نشده است

کنند. اعضای دیگر سازمان که بیرون هستند، حواسشان را جمع می‌کنند. اینها برای زنده ماندن دست به هر کاری می‌زنند، بعضی با این ایده و نظر من موافق نبودند. از جمله بهزاد نبوی که می‌گفت: قصاص قیل از جنایت نباید کرد، آنها هنوز دست به اسلحه نبرده‌اند، ما نباید آنها را دستگیر کنیم. سازمان مجاهدین خلق در این مدت از ضعف تشکیلاتی حکومت سوءاستفاده کرده و در همان اوایل انقلاب، از پادگان‌ها و جاهای مختلف، اسلحه و فشنگ جمع کرد. طرز تفکر این گروه مورد پسند جوانان بود، لذا بیشترین نیروهایی که جذب سازمان شدند از بین دانشجویان و دانش‌اموزان بودند. در ادارات نیز وضع به همین صورت بود؛ به طور مثال اگر تجمع یا اجتماعی داشتند، جمعیت زیادی جمع می‌شد در حالی که اگر قرار بود یک نمی‌شد. سازمان مجاهدین خلق با اعضای شورای انقلاب نیز در ارتباط بود و از طرفی تشکیلات خود را ساماندهی می‌کرد. باتوق اعضای سازمان در خیابان ایران، منزل آقای ابریشم‌چی بود. بیشتر شب‌ها آنجا جمع می‌شدند و راجع به موضوعات مختلف به بحث می‌نشستند.»

■ چالش عضویت «مجاهدین خلق» در کمیته‌ها

بی‌تردید فعالیت گسترده نهادی بسان کمیته انقلاب اسلامی، چیزی نبود که از نگاه گروه تمامیت‌خواهی چون مجاهدین خلق پنهان بماند. همین امر موجب گشت تا سسران این گروه، نفوذ در کمیته‌ها را در دستور کار خویش قرار دهند.

عزت‌الله مطهری(شاهی): آیت‌الله مهدوی کئی می‌گفت: اگر حکومت اسلامی شکست بخورد و از بین برود، بهتر از این است که ما بخواییم با زور و سرنیزه حکومت را نگه داریم و شکست بخوریم، بهتر از این است که شیوه و روش حکومتان دیکتاتوری و استبدادی باشد. اما در عین حال از آن‌جا که بعد از پیروزی انقلاب اختلافاتی بین سسران حکومت ما، سازمان مجاهدین پیش از این است، لذا، سازمان به دشمنی با انقلاب پرداخت

در خواست برخی اعضای سازمان برای دریافت کارت عضویت در کمیته، در دوره‌ای به یکی از چالش‌های این نهاد گذشت، راوی در ادامه خاطره‌گویی خویش در این باره می‌گوید:

«مسئله دیگر در مورد صدور کارت برای کادر مرکزی سازمان مجاهدین بود. به افرادی که با کمیته همکاری می‌کردند، کارت شناسایی می‌دادیم. این کارت‌ها سه نوع بود؛ کارت انتظامات مخصوص پاسدارها و مسئولان و کسانی که کارشان با اسلحه بود. کارت دیگر اداری مخصوص کارمندان داخل بود. کارت سوم هم مخصوص بازرسی بود که به سرپرست کمیته‌های مناطق و افراد سفارش شده داده می‌شد. در این زمان آقای بنی‌صدر و آقای مهدوی نامه نوشته بودند که به کادر مرکزی سازمان مجاهدین و محافظانشان کارت حمل سلاح بدهید، ولی ما مخالفت و سرانجام با اصرار زیاد با آن موافقت کردیم. گفتیم طبق ضوابطی که به همه کارت می‌دهیم، به این افراد هم می‌دهیم، به شرط آن که آدرس منزل و مشخصات خود را بدهند. در ضمن، ضامن هم باید داشته باشند. این ضامن با باید کارمند باشد یا باید کاسب و جواز کسب داشته باشد و بعد تعدادشان را نیز به ما بگویند تا ما بتوانیم برای آنها کارت صادر کنیم. اینها را چند ماهی معطل کردیم و به هیچ کدام هم کارت ندادیم، تا کم کم قضیه متغی شد. تا سال ۱۳۶۰ بارها تعدادی از آنها از جمله موسی خیابانی و مسعود رجوی به کمیته آمدند و با آقای باقری کئی صحبت می‌کردند و از او می‌خواستند که به آنها کارت حمل سلاح داده شود. آنها در اوایل انقلاب هم به لحاظ مادی و هم نظامی، بار خود را بسته بودند. از لحاظ نظامی، سلاح‌های زیادی از پادگان‌ها خارج کردند و از لحاظ مادی هم از خیلی جاه‌مثل شرکت «لی هل کوپتر» که متعلق به امریکایی‌ها بود و یکسری شرکت‌های

تاریخ

کفت و گو ۸۸۴۹۸۴۲۹

جوان ۹

|روزنامه جوان |شماره ۵۳۱۲

دیگر و حتی از بنیادی به نام بنیاد پهلوی که در آن جنس‌های عتیقه و فرش‌های گران‌قیمتی وجود داشت نیز اجناسی را سرقت کردند. تعدادی از اعضای سازمان در حدود ۵۰ قطعه فرش ۱۲ متری و حتی بزرگ‌تر از آن را دزدیده و فروخته بودند. فروش این فرش‌ها توسط فردی به نام ضابطی که در بازار مازره فرش‌فروشی داشت و پسر او با اعضای سازمان نیز همکاری می‌کرد، صورت گرفته بود. این قضیه به ما اطلاع داده شد و به اتفاق دوستان، به آنجا رفتیم و همه فرش‌ها را ضبط کردیم. البته سه چهار قطعه از آن فرش‌ها نبود، بعدها که کارشناس فرش آن فرش‌ها را مشاهده کرد، آنها را بسیار باارزش دانست. البته مشخص نشد که فرش‌های مفقود شده فروخته شده یا به خارج برده شدند.»

■ کمیته در برابر رفتارهای جنایت‌آمیز منافقین در دهه ۶۰

تحلیلگران رویدادهای سیاسی کشور در دو سال آغازین تشکیل نظام اسلامی، تقابل قطعی میان سازمان موسوم به مجاهدین با کمیته‌های انقلاب اسلامی را پیش‌بینی می‌کردند. شاید به همین دلیل نیز بود که سسران سازمان در آغاز، در صدد نفوذ در کمیته‌ها بر آمده بودند. این تقابل و تضاد، نهایتاً در سال ۱۳۶۰ روی داد و کمیته‌ها ناگزیر از برخورد با عوامل سازمان شدند. عزت‌الله مطهری در این باره می‌گوید:

«در سال ۱۳۶۰ ش از طرف سازمان مجاهدین خلق اعلامیه‌ای صادر شد. آنها در این اعلامیه مواضع خود را بیان داشتند و ۳۰ خرداد همان سال نیز راهپیمایی عظیمی در خیابان انقلاب برپا کردند؛ جمعیت نسبتاً زیادی آمده بود. البته رئیس دادستانی وقت آقای لاجوردی، این راهپیمایی را غیرقانونی اعلام کرده بود و ما هم تعدادی از اعضای کمیته و نیروی انتظامی را بین جمعیت فرستادیم. سازمان مجاهدین در میان جمعیت، کارهای جنایت‌آمیزی می‌کردند؛ برای نمونه، با تیغ موکتبری تعدادی از افراد را زخمی کردند و مواد اسیدی به صورت مردم پاشیدند. این امر باعث شد که تعدادی از این افراد را دستگیر کنیم. همچنین اعضای سازمان تعدادی از بچه‌های حزب‌اللهی را در خیابان‌ها کتک زده بودند. بچه‌های پاسدار نیز آنها را دستگیر کردند و به کمیته آوردند. زمانی که تعداد دستگیرشدگان در کمیته زیاد شد، ما با ابریشم‌چی تماس گرفتیم و به او گفتیم بیاید و اینها را ببرید. آنها به هیچ وجه با کمیته همکاری نمی‌کردند، حتی وقتی از آنها اسهشان را می‌پریدیم، جواب درستی نمی‌دادند. می‌گفتیم: اسمت چیست؟ می‌گفت: مجاهد، می‌گفتیم: فرزند چه کسی هستی؟ می‌گفت: ما مجاهدیم، فرزند خلقیم، می‌گفتیم: اعلامیه‌ها را از کجا آوردید؟ جواب نمی‌دادند و توهین می‌کردند، بنابراین مجبور می‌شدیم که عده‌ای از آنها را به زندان اوین بفرستیم. اعضای سازمان شایعاتی به راه انداخته بودند از جمله اینکه در کمیته، فردی به نام عزت‌الله شاهی است که آدم شکنجه‌گری است و در واقع یک کهنیت‌بدی نسبت به من به وجود آورده بودند و می‌خواستند با این کار، جو را متشنج کنند. در خارج از کمیته، علیه من و دوستانم کارشکنی‌هایی صورت می‌گرفت و مطالبی گفته می‌شد، در صورتی که به هیچ وجه چنین چیزی نبود.»

■ بازجویی با شیوه‌ای نرم

از دیگر فصول خاطرات تاریخی عزت‌الله مطهری بیان شیوه‌های اخذ اعتراف از دستگیرشدگان است. راوی از آن روی که خوداز زندانیان پرسابقه کمیته مشترک بوده، بر بسیاری از شیوه‌های کلّامی بازجویی احاطه داشته و نیازی به به کارگیری شیوه‌های خشن در این باره نمی‌دیده است. او در این باره می‌گوید:

«در موارد خاصی چون برخورد با سارق مسلح یا متهم مربوط به زنا و لواط، شکنجه در کمیته اعمال می‌شد. اما هیچ‌گاه متهم سیاسی را شلاق نمی‌زدیم. چون سابقه شکنجه داشتیم و در بازجویی‌هایی که ساواک از من به عمل آورده بود، شیوه‌های مختلفی را یاد گرفته بودم، آنها را در برابر مجرمان سیاسی به کار می‌بردم. از جمله روبه‌رو کردن، یک دستی زدن و مواردی از این قبیل که با متهمان به شیوه‌های مختلفی برخورد می‌کردم. از جمله پیش آنها می‌فتم، با آنها ناهار می‌خوردم، حتی با متهمی که بسیار خطرناک بود و احتمال اینکه در سلول مرا خفه کند، بسیار زیاد بود، روابط دوستانه برقرار کردم. به هنگام وارد شدن به سلول او به بچه‌های گفتم که من در سلول فلاتی هستم، مواظب آن سلول باشید، اگر فریاد زدم، به داخل سلول بیایید. در سلول با من می‌زدیم، حتی در بعضی مواقع که خسته می‌شدم در همان سلول، کنار متهم دراز کشیده و می‌خوابیدم و به او می‌گفتم: نیم ساعت می‌خوابم، بعد صرا بیدار کن. در هر حال با متهمان به این شکل برخورد می‌کردم. از این شیوه‌ها جهت تخلیه اطلاعات متهم استفاده می‌کردم، از شکنجه خیلی خوشم نمی‌آمد. علتش هم این بود که در دوران زندان بسیار شکنجه شدم. یک شلاق که به کتف پای منهم می‌زدند، مثل این بود که به مغز من می‌زدند! این بود که می‌گفتم: او را به اوین بفرستید، آن‌جا حاکم شرع خودن دستور می‌دهد که چه رفتاری با او در پیش بگیرند. آنها گستاخی را تا به آنجا رسانیدند که به حضرت امام خمینی توهین می‌کردند. در هر حال چون آنها در صدد حذف ما بودند، ما هم باید عکس‌العمل نشان می‌دادیم، لذا بعد از قضایای انفجارها و ترورها یی که توسط آنها صورت گرفت، حکومت تصمیم گرفت با آنها برخورد کند.»

«*مستندات این مقال، تماماً برگرفته از خاطرات عزت‌الله مطهری(شاهی) در گفت‌ووشود با مرکز اسناد انقلاب اسلامی است.*